

پیش‌خوان

در حاشیه انتشار اثری نوین از استاد محمدرضا حکیمی

آنجا که خورشید می‌وزد

■ **امیر مهدی حکیمی**



دیگر بار خورشید تابید، مجموعه‌ای از مقالات تاریخی و علمی استاد علامه گرد آمده است و فرآوری دانش‌دوستان گرفت تا خوانندگان وزش خورشید را با تمام وجود حس کنند و به حرکت زندگی و حیات ارج نهند. این کتاب سرشار از دغدغه‌هایی است که هم‌گری را با استاد گذرانده و زیسته‌اند و وی را بر آن داشته‌اند تا گاه قلم را تیر کند و فریاد برآورد و دغدغه‌های گذشته را در یادها زنده کند، دغدغه‌هایی الهی، شیعی، انسانی و حماسی، مردمی و انقلابی…

استاد علامه روزگاری به شناساندن «مرزبانان حماسه جاوید» همت گماشت و مرزها و مرزبان را شناسانید و نسل‌ها را آگاه ساخت، اکنون خود مرزبان است که به پاسداری از مرزها و ارزش‌ها مشغول است، مرزهای توحید و عدالت، هر گاه احساس خطر کند می‌خوشد و ارزش‌های فراموش‌شده را به یادها می‌آورد. استاد علامه اندکی از مرزها گام واپس نمی‌نهد، پیمان روزگار جوانی پرشور و نستوه ایستاده است. کوهی استوار که سال‌هاست پرچم دو حقیقت بزرگ را بر فراز جامعه ما برافراشته است: توحید و همگان را به یاری برای در اهتزاز نگاه‌داشتن عدل. هر چرم فرا می‌خواند، توحیدی ناب و به دور از هر گونه التقاط چه از روزگاران گذشته و آنچه در دوران آغازین ترجمه به جهان اسلام وارد کردند و چه در این روزگار که با هجوم و زبانی نو دست به ترجمه و التقاط زده‌اند. پژوهش‌های علمی و فرهنگی را با اغراض سیاسی و اهداف مرموز در آمیخته و از این رهگذر به ایمان ملت‌های مسلمان تاخته‌اند، همان ایمانی که بزرگ‌ترین و مقاوم‌ترین سد در برابر استعمار و خواسته‌های بیگانگان است…

و اما عدالت فریاد مظلومان تاریخ که گویا مظلومیت‌هایشان مسری است و هر کس فریاد عدالت بر آورد، به آن مظلومیت‌ها دچار خواهد شد. فریاد



■ **استاد علامه محمدرضا حکیمی خراسانی**

عدالتخواهی از آغازین نوشته‌های استاد علامه تاکنون بلند است. آنان که با زندگی ایشان آشنايند، آگاهند که سخنان و جلسات استاد از دوران طلبگی با این مفاهیم آمیخته بوده و ممنوعیت‌های سخن گفتن ایشان از سال ۱۳۳۸ (مدت‌ها پیش از انقلاب) به دلیل «تبیین حکومت عادل» و فریادهای عدالتخواهانه آغاز شده‌است (۱). لیکن «کو گوش شو!» اکنون عدالت تنها به صورت شعار مطرح می‌شود، لیکن در کوی و برزن خبری از آن نیست. آری، به پیروی از نویسنده‌ای بزرگ باید بگوییم: «از دو مفهوم شعار و عدالت یکی در کوجه‌ها سرگردان است و یکی در شعارها…»

استاد علامه بار بر سر مرزها ایستاده است. در هر فرصتی فریادی برمی‌آورد و به همگان گوشزد می‌کند که عدالت حقیقی کدام است، آسوزه و وحیانی و عملکرد اوصیایی… آن چیزی نیست که امروز در جامعه از آن سخن می‌رود و شعاع داده می‌شود. راه بسیار است بدانجا برسیم و عدالتی، نه تراز قرآن و حکومت معصوم بلکه اندکی از آن را بر پا داریم. این دردی است گران برای انسانی که سال‌های عمرش را بر سر دو ارزش ناب، توحید و عدالت نهاده است و همه آثار خود را در این‌باره پدید آورده و عرضه کرده‌است تا خدمتی به انسان و انسانیت کرده باشد. (۲) از همه خیز گدشته است تا آن ارزش‌ها تحقق یابد و اکنون پس از گذشت این‌همه که این ارزش‌ها تنها در عالم سخن مانده‌است. این است مظلومیت‌های مسری

که استاد نیز به جان خریده است و خودآگاه است که سرانجام چنین راهی آن است که بر سر صاحبان اصلی این ارزش‌ها رفته است. از ویژگی‌های بسیار ارزشمند آثار علامه حکیمی نثری است که ایشان در تبیین حقایق به کار می‌برند. به تعبیری دیگر ایشان هنر خویش را در خدمت ارزش‌ها نهاده و آثار خلق کرده‌اند که در برجسته‌ترین سطح از نوشته‌های فارسی این روزگار قرار دارد. استاد در اقی دیگر به مرزبانی پرداخته است و به نویسندگان اسلامی می‌آموزد که دفاع از ارزش‌های والای فرهنگ شیعی نباید بانثری ضعیف و نامناسب و دور از معیارهای زبان فارسی و فاقد جاذبه‌های بلاغی و قدرت‌های القایی و تصویرگری لفظی نگارش یابد، بلکه آنچه نگاهشته می‌شود باید زیباترین نثرها را داشته باشد تا نسل‌ها همراه با جاذبه‌های تعبیر (۳)، ارزش‌ها را دریابند و از فرهنگ شیعی آگاه شوند؛ نه آنکه به عرضه مطالب فرابشری بانثرهای معمولی و در بسیاری موارد ضعیف و گاه غلط بپردازند و توجهی به ندیگی نویسندگان و قدرت قلم و اعجاز بلاغت نداشته باشند…

عمرش دراز باد

پی‌نوشت‌ها در دفتر روزنامه موجوداست.

تاریخ

کفت‌و‌گو ۸۸۴۹۸۴۳۸



جلسه ارائه وصیت‌نامه خمینی در چهاران با حضور آقای منتظری و دیگر مسئولان نظام

باز خوانی تحلیلی نامه ۱/۶ امام خمینی به آقای منتظری پس از ربع قرن

شما به نوشتن چیزهایی مشغول می‌شوید که آخرتتان را خراب‌تر می‌کند!

◆ **شاهد توحیدی**

هدف از نگارش این مقال، نه تنقید از آقای منتظری است نه حتی گزارش یک‌رویداد، این مسوده‌نمایان ساختن جلو‌های از خردمندی وقاطعیت امام خمینی در مقام رهبری نظام را می‌جوید. عیان کردن مآل اندیشی و حق‌مداری رهبری که جز به رضای خدا و اعزاز و اکرام نام و راه او نیندیشید و خداوند نیز بارق‌های از عزت خویش را به وی ارزانی داشت که **«ولله‌عزّه‌ولر‌سوله‌ولمومنین» یاد و نامش بلند یابد.**

■ ■ ■

■ **یک:**

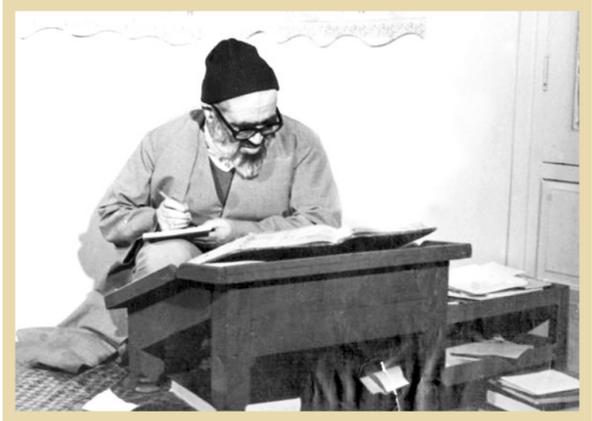
روزهای تعطیلات نوروزی، ی‌آداور رخدادی مهم در تاریخ انقلاب هستند که به دلیل خموشی رسانه‌ها در این روز یا پارهای مصلحت‌اندیشی‌ها، به محاق غفلت یا تغافل می‌وید. اگر به دقت بر رویدادهای سسال‌های اخیر و حتی بر آنچه هم‌اینک در لایه‌های زیرین و نامرئی سیاست در ایران در جریان است بنگریم، آثار مصلحت‌سنجی تاریخی و ماندگار امام خمینی (قده) در ششم فروردین ماه ۱۳۶۸ را بهتر درک خواهیم کرد. به واقع فتنه سال۱۳۸۸ و نقش فعال آقای منتظری و باند مهدی‌اشمی معدوم در آن، نمایانگر صحت دیدگاه امام در ضرورت انتشار سریع نامه ۱/۶ بود و اظهار اینکه در سالیان بعد، از عدم انتشار این نامه پشیمان خواهید شد! به هر‌وی، امروز ۲۶ سال از این رخداد تاریخی سپری گشته و گذر زمان و اقدامات تخریبی آقای منتظری و اطرافیان او، نشان داده‌است که نگاه‌ناقد خود در آن روزگار، تا چه حد ناظر به آینده این فرد و اطرافیان وی و لحن این نامه نیم‌معلوف به کارکرد تخریبی ایشان در سالیان آینده بوده است.

نامه ۱/۶ در دوده‌هاخبر، بحث‌های فراوانی برانگیخته است. عده‌ای آن را منسوخ و نامه ۱/۸ را دیدگاه واقعی امام قلمداد کرده‌اند که در ادامه بدان خواهیم پرداخت. عده‌ای نیز ایمن‌نامه را در بردارنده واپسین و البته واقعی‌ترین تحلیل ایشان درباره خصال و کارکرد آقای منتظری می‌دانند که در آن دوران به واسطه برخی مصلحت‌سنجی‌های ناموجه مجال نشر نیافته است. به باور راقم، در دآوری پیرامون این نامه تاریخی و پیش‌بینی‌های صورت گرفته در آن، هیچ چیز بهتر از مرور دقیق آن نیست:

■ **«بسم‌الله‌رحمن‌الرحیم**

جناب آقای منتظری

با دلی بر خون و قلبی شکسته چند کلمه‌ای برایتان می‌نویسم تا مردم روزی در جریان امر قرار گیرند. شما در نامه اخیرتان نوشته‌اید که نظر تو را شاعرآبر نظر خود مقدم می‌دانم؛ خدا را در نظر می‌گیرم و مسائلی را گوشزد می‌کنم. از آنجا که روشن شده‌است که شما این کشور و انقلاب اسلامی عزیز مردم مسلمان ایران را



بی‌تردید، طول و عرض

ار تباط عاطفی امام خمینی

با آقای منتظری، بس بیشتر

از وابستگی‌های مسئولان

امروز نظام با کسانی است که

امروز از تمامی سوابق و لواحق

انقلابی خویش ترا جمع کرده‌اند.

اقدام قاطع امام در عزل آقای

منتظری باید امروزه برای ایشان

درس آموز و الهام‌بخش باشد

سربازی فداکار و از خود گذشته و مطیع در کنار

حضر تعالی و در مسیر اسلام و انقلاب بوده‌ام، اینک نیز خود را ملزم به اطاعت و اجرای دستورات

حضر تعالی می‌دانم، زیرا بقا و ثبات نظام اسلامی

مرهون اطاعت از مقام معظم رهبری است. برای

هیچ کس قابل شک نیست که این انقلاب عظیم

تاکنون در سایه رهبری و ارشادات حضر تعالی از

خطرات مهمی گذشته و دشمنان زیادی همچون

منافقین کوردل که دستشان به خون هزاران نفر از

مردم و شخصیت‌های عزیز ما و از جمله فرزند عزیز

خود من (۱) آغشته است و سایر جناح‌های مخالف

و ضد انقلاب و سازشکار و لیبرال‌مآب‌های کج‌فکر

را رسوا و از صحنه خارج نموده است. آیا جنایات

هولناک و ضربات ناچوانمر دانه این روسپایهان

کوردل به انقلاب و کشور و ملت عزیز و فداکار ما

فراموش شدنی است؟ و اگر بلندگوهای آنان و

رادپو‌های بیگانه خیال می‌کنند با جوسازی‌ها و نشر

اکاذیب و شایعه‌پراکنی‌ها به نام اینجناب می‌توانند

به اهداف شوم خود برسند و در همبستگی ملت ما

رنخنه کنند، سخت در اشتباهند. و راجع به تعیین

اول‌جناب به عنوان قائم مقام رهبری، خود من از

مهدی‌هاشمی هم به ششما دادم. من صلاح شما و

سنگینی بار مسئولیت، همان وقت به مجلس

خبرگان نوشتم که تعیین اینجناب به مصلحت

نیوده‌است و اکنون نیز عدم آماجگی خود را صریحاً

دارم؛ من با خدای خود عهد کردم که از بدی افرادی که

مکلف به اغماض آن نیستم هرگز چشم‌پوشی نکنم.

من با خدای خود پیمان بسته‌ام که رضای او را بر رضای

مردم و دوستان مقدم دارم؛ اگر تمام جهان علیه من

قیام کنند دست از حق و حقیقت برنمی‌دارم. من کار به

تاریخ و آنچه اتفاق می‌افتد ندارم؛ من تنها باید به وظیفه

شرعی خود عمل کنم. من بعد از خدا با مردم خوب و

مناسبتش با آنها در میان گزارم. تاریخ اسلام بر است

از خیانت بزرگانش به اسلام؛ سعی کنند تحت تأثیر

دروغ‌های دیکته شده که این روزها رادیوهای بیگانه آن

را با شوق و شور و شغف پخش می‌کنند، نگرند. از خدا

می‌خواهم که به پدر پیر مردم عزیز ایران صبر و تحمل

عطا فرماید و او را بخشیده و از این دنیا برد تا طعم تلخ

خیانت دوستان را بیش از این نخشد. ما همه راضی

هستیم به رضایت او؛ از خود که چیزی نداریم. هر چه

هست اوست، والسلام.

یکشنبه، ۶۸/۱/۶

روح‌الله‌الموسوی‌الخ‌مینی»

نامه‌یی‌نیاز از تحلیل و به اندازه‌ا کافی گویاست.

پیش‌بینی‌های مندرج درآن به ویژه آنکه: «شما مشغول

به نوشتن چیزهایی می‌شوید که آخرتتان را خراب‌تر

می‌کند» واقع‌یاقع‌یبینی نویسنده را نمایان می‌سازد.

■ **دو:**

مسئولان تراز اول نظام از جمله اکبر‌هاشمی‌ف‌سنجانی،

انتشار این نامه را آن هم با لحن تندى که دارد، از اخبار

ساعت ۲ بعدازظهر به صلاح نمی‌دانند. آنان از اساس

در جریان نگارش این نامه توسط امام نبوده‌اند. آنها با

اصرار فراوان سعی در متقاعد کردن رهبر انقلاب به این

راهکار دارند که «عزل» ظاهر «استغفا» پیدا کنند، چراکه

فضای اجتماعی در جریان عمق اختلافات امام با آقای

منتظری نیست و انتشار چنین نامه‌ای می‌تواند آن را با

شوک و بیعت مواجه کند. آقای منتظری می‌پذیرد که در

پاسخ نامه ۱/۶، استغفانامه ملایم بنگارد و ماجز ابدین

شکل در افتکار عمومی باز تاب یابد. او در صدر نامه خود

آورده است: «مروقومه شریفه مورخ ۶۸/۱/۶واصل شده،

چیزی که بعدها توسط خود وی و اطرافیانش انکار شد

و اساساً نامه ۱/۶ جعلی و ساخته و پرداخته فرزند امام

قلمداد گشت. استغفانامه آقای منتظری بدین قرار در

رسانه‌ها انتشار یافت:

■ **«بسم‌الله‌رحمن‌الرحیم**

محضر مبارک ک آیت‌الله‌العظمی امام‌خمینی

(مدظله‌العالی)

پس از سلام و تحیت، مرقومه شریفه مورخ ۶۸/۱/۶

واصل شد. ضمن تشکر از ارشادات و راهنمایی‌های

حضر تعالی به عرض می‌رساند، مطمئن باشی‌ید همانطور

که از آغاز مبارزه تاکنون در همه مراحل همچون

۹ جوان

تلطیف گشته‌است:

■ **«بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم**

جناب حجت‌الاسلام والمسلمین آقای منتظری

(دامت‌افاضاته)

با سلام و آرزوی موفقیت برای شما، همانطور که

نوشته‌اید رهبری نظام‌جمهوری اسلامی کار مشکل

و مسئولیت‌سستگین و خطیری است که تحملی

بیش از طاقت ششما می‌خواهد و به همین جهت،

هم ششما و هم من از ابتدا با انتخاب شما مخالف

بودیم و در این زمینه هر دو مثل هم فکر می‌کردیم.

ولی خبرگان به این نتیجه رسیده بودند و من هم

نمی‌خواستیم در محدوده قانونی آنها دخالت کنم. از

اینکه عدم آماج‌گی خود را برای پست قائم‌مقامی

رهبری اعلام کرده‌اید پس از قبسول، صمیمانه از

شما تشکر می‌نمایم. همه می‌دانند که شما حاصل

عمر من بوده‌اید و من به ششما شدیداً علاقه‌مندم.

برای اینکه اشتباهات گذشته تکرار نگردد، به شما

تصحیح می‌کنم که بیت‌خود را از افراد صالح پاک

نمایید و از رفت‌وآمد مخالفین نظام که به اسم علاقه

به اسلام و جمهوری اسلامی خود را جا می‌زنند،

جداً جلوگیری کنید. من این تذکر را در قضیه

مهدی‌هاشمی هم به ششما دادم. من صلاح شما و

سنگینی بار مسئولیت، همان وقت به مجلس

نظام و مردم از نظرات شما استفاده کنند. از پیش

دروغ‌های رادیو بیگانه متأثر نباشید. مردم ما شما را

خوب می‌شناسند و حيله‌ها دشمن را هم خوب

درک کرده‌اند که با نسبت هر چیزی به مقامات

ایران کینه خود را به اسلام نشان می‌دهند. طلاب

عزیز، انمه محترم جمعه و جماعات، روزنامه‌ها و

رادیو – تلویزیون، باید برای مردم این قضیه ساده را

روشن کنند که در اسلام مصلحت نظام از مسائل

است که مقدم بر هر چیز است و همه باید تابع آن

باشیم. جنابعالی آن شاه‌الله بادرس و بحث خود حوضه

و نظام را گرمی می‌بخشید. والسلام علیکم.

۶۸/۱/۸

روح‌الله‌الموسوی‌الخ‌مینی»

■ **چهار:**

متعاقب انتشار این مکاتبه، به دستور امام خمینی

و ابلاغیه مکتوب میرحسین موسوی، عکس آقای

منتظری از همه ادارات و مراکز رسمی نظام چیده

شد. صدواسیما از خواندن اخبار مربوط به وی منع

شد. منابع امنیتی اطراف منزل او نیز برچیده شدند

حتی به دستور امام، مجله پاسدار اسلام از درج

دروس تفسیر نهج‌البلاغه وی نیز برحذر داشته شد

امام با منتظری، دقیقاً وفق نامه ۱/۶ و کاملاً جدی

و قاطع برخورد کرد. در پی رویکرد جدی و قاطع

رهبر کبیر انقلاب بود که برای برخی وزرای کابینه

میرحسین موسوی نیز نمایندگان وقت مجلس،

درباره کم و کیف برخورد با منتظری ابهاماتی روی

داد. پاسخ امام به این عده از این قرار بود:

■ **«بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم**

خدمت فرزندان عزیز، نمایندگان محترم مجلس

شورای اسلامی و وزرای محترم – دامت‌افاضاتهم–

با سلام، شنیدم در جریان امر حضرت آقای منتظری

نیستید و نمی‌دانید قضیه از چه قرار است. همین

قدر بدانید که پدر پیرتان بیش از دو سال است در

اعلامیه‌ها و پیغام‌ها تمام تلاش خود را نموده‌است تا

قضیه بدینجا ختم نگردد، ولی متأسفانه موفق نشد.

ازطرف دیگر وظیفه شرعی اقتضای کرد تا تصمیم

لازم را برای حفظ نظام و اسلام بگیرد. لذا با دلی

برخون حاصل عمرم را برای مصلحت نظام و اسلام

کنار گذاشتم. این شاه‌الله خواهران و برادران در آینده

تا اندازه‌ای روشن خواهند شد. سفارش این موضوع

لازم نیست که دفاع از اسلام و نظام شوخی بردار

نیست و در صورت تحطی، هر کس در هر موقعیت

بلافاصله به مردم معرفی خواهد شد. توفیق همگان

را از خداوند متعال خواستارم. والسلام علیکم و

رحمه‌الله و برکاته.

۶۸/۱/۲۶

روح‌الله‌الموسوی‌الخ‌مینی»

■ **پنج:**

بنیانگذار حکیمم و فرزانه انقلاب، در طول ۱۰

سال رهبری نظام اسلامی پس از پیروزی انقلاب،

درس‌های فراوانی به کارگزاران نظام در همه ادوار

آن به ویژه آنان که در آینده خواهند آمد، آموخت

که یکی از آنها شفافیت و صراحت در مواضع و

عدم استقرار در ملاحظات و رودرپایستی‌های

عاطفی است. بی‌تردید، طول و عرض از رباط

عاطفی امام خمینی با آقای منتظری، بس بیشتر

از وابستگی‌های مسئولان امروز نظام با کسانی

است که امروز از تمامی سوابق و لواحق انقلابی

خویش تراجم کرده‌اند. اقدام قاطع امام در عزل

آقای منتظری باید امروزه برای ایشان درس آموز و

الهام‌بخش باشد و چنین باد.

^[1] می‌شوید که آخرتتان را خراب‌تر می‌کند» واقع‌یاقع‌یبینی نویسنده را نمایان می‌سازد